علیرضا داوودنژاد
درباره همراهی‌اش در فیلم «منصور»:

## فرمانده‌ای که آرزوها را محقق کرد

نیره خادمی
خبرنگار

**■ چه عواملی باعث شد در این پروژه حضور داشته باشید؟**

سه دلیل داشتم. اولی خود کارگردان یعنی سیاوش سرمدی بود. من از حدود بیست و پنج سال پیش او را می‌شناسم. از زمان نوجوانی تشنه دانستن بود و به سراغ من می‌آمد و درباره سینما پرس و جو می‌کرد؛ به نظرم می‌آمد هیچ پاسخی او را قانع نمی‌کند. سالیانی از او بی‌خبر بودم تا فهمیدم وارد سینمای مستند شده و دنبال ماجراجویی و ساختن فیلم‌های جنجالی مثل گم شدن دیپلمات ایرانی در لبنان یا مسلمان شدن فرزند فلان خانواده اشرافی و متنفذ در ایتالیاست که گویا برایش دردسرساز هم بود؛ بلندپروازی‌هایی که با روحیه نوجوان پرسشگر و سمجی که می‌شناختم سازگار بود. دو، سه سال پیش باز به سراغم آمد و این بار برای ساختن یک فیلم سینمایی سخت و پردردسر مشورت می‌خواست. او اینک مردی بود با تجربه که آثار پختگی در او پدیدار شده بود و به آغازی حرفه‌ای در سینمای داستانی می‌اندیشید و «نه» گفتن به او برایم سخت بود. دلیل دوم موضوع فیلم بود که به شخصیتی استثنایی و منحصر به فرد می‌پرداخت. یکی از سؤالاتی که همیشه ذهن مرا به خود مشغول می‌کرد و شاید دلیلش پدرم بود که در شهربانی خدمت می‌کرد و من او را از کودکی اسلحه به کمر می‌دیدم. این بود که کدام ویژگی‌ها می‌تواند نظامیان را -که ما برای امنیت شهرها و مرزهایمان به آنها احتیاج داریم- از غلبه‌جویی و سلطه‌طلبی بر دیگر اقشار مردم باز دارد و روحیه نوع دوستی و خدمتگزاری را در آنها تقویت کند. به نظرم رسید یکی از این ویژگی‌ها روحیه ابداع و ابتکار و برخورداری از ذوق هنری و تمایل به آفرینش و کار خلاق است. شاید کمتر کسی خبر داشته باشد که تیمسار ستاری نقاش و مجسمه‌ساز و نجار بود و به‌طور حرفه‌ای از این رشته‌های هنری و صنعتی سر در می‌آورد در حدی که نرده‌های چوبی خانه‌اش را خودش می‌ساخت و نصب می‌کرد و یکی از مجسمه‌هایی که ساخته جایی در میدانی نصب شده است و تابلوهای نقاشی به جا مانده از او از جهت طراحی و رنگ آمیزی زیبا و حرفه‌ای و دیدنی است. دلم می‌خواست بر این وجوه از شخصیت ستاری در فیلم تأکید شود. اینکه چگونه اوقات فراغتش را در خانه به خلق ماکت‌های گوناگون هواپیما صرف می‌کرد و در سر کار برای ساختن هواپیمای جنگی به آب و آتش می‌زد. دلیل سوم هم این بود که در شرایط تحریم و جنگ و در وضعی که مملکت زیر باران بمب و موشک بود و ما از پس تعمیر هواپیماهایمان به سختی بر می‌آمدیم شهید ستاری به ساختن هواپیما فکر می‌کرد و برای ممکن کردن این آرزویی که محال به نظر می‌رسید از هیچ فداکاری و تلاشی فروگذار نکرد به نظرم حماسه‌ای بود که واقعاً جای کار داشت. قهرمانی که هم سلحشور بود و هم هنرمند و خلاق ولی متأسفانه در فیلم به وجه هنرمندانه شخصیت او چندان پرداخته نشد.

این تابلو توسط شهید ستاری نقاشی شده است

**■ حضور شما در روند کار چگونه بود؟**

مشاوره‌های من بیشتر به اجرای سینمایی بر می‌گشت؛ هم درباره فیلمنامه که به زمان‌بندی و ریتم و حشو زوائد مربوط می‌شد و هم به ملاحظاتی که به ساخت و پرداخت صحنه‌ها ارتباط پیدا می‌کرد. ترجیح می‌دادم جنبه ذوقی و هنری شخصیت -جنبه مورد علاقه من که در فیلم نیست یا کمرنگ شده است- حضور بیشتری داشته باشد ولی حجم حوادث و ماجراهایی که به کار و حرفه اصلی تیمسار و تلاش او برای دستیابی به ساخت و ساز هواپیما مرتبط می‌شد، زیاد بود. بنابراین بیشتر زمان فیلم، صرف پرداخت به این موارد شد. بعد هم اشاراتی که به آن وجه از شخصیت تیمسار شده بود در فیلم کوتاه شد. البته هنوز فیلم را در اکران ندیده‌ام و شاید همان اشارات هم حذف شده باشد.

**■ نمایش یک قهرمان و باورپذیر شدنش برای مخاطب ظرافت‌های زیادی را در فیلم می‌طلبد. برخی معتقدند برای نمایش آن فقط باید به ویژگی‌های مثبت پرداخت در حالی که قهرمان هم انسان است و برای باورپذیر شدن او، نیاز به نمایش همزمان وجوه مثبت و منفی است. نظر شما در این باره چیست؟**

معمولاً در همه جای دنیا، فیلم‌هایی که قهرمان ملی را نمایش می‌دهند بیشتر روی وجوه مثبت شخصیت که مربوط به هدف فیلمنامه است، تأکید دارند ولی ترجیح شخصی من این است که جنبه‌های مختلف زندگی قهرمان نشان داده شود. البته در این فیلم هم اشاراتی وجود دارد و قهرمان برای رسیدن به مقصود کارهایی می‌کند که به مذاق برخی از اطرافیان خوش نمی‌آید.

**■ ما در تاریخ جنگ ۸ ساله‌مان، شخصیت‌های اینچنینی کم نداشتیم اما چرا کمتر سراغ آنها رفته‌ایم؟**

ما در جنگ هشت ساله مصایب و سختی‌های سهمگینی را پشت سر گذاشتیم؛ من شخصاً دو، سه ماهی را در جبهه‌ها گذراندم و در آنجا شاهد بودم که چگونه پیر و جوان دست از جان شسته بودند و واقعاً از هیچ‌گونه فداکاری و ایثار مضایقه نمی‌کردند. قهرمان‌هایی بی‌نام و نشان از همین مردم عادی و زحمتکش کوچه و بازار که از جان و دل خدمت می‌کردند و بی‌هیچ چشمداشتی گوش به فرمان فرماندهان خود به زیر آتش گلوله و توپ و خمپاره می‌رفتند. اینکه چرا به این حماسه‌ها پرداخته نمی‌شود برای من هم سؤال است و نمی‌دانم مسئولان برای این کوتاهی و قصور چه پاسخی دارند. شخصاً در جریان کار روی فیلمنامه‌ای که به خاطرات شهید احدی می‌پرداخت و بر اساس نوشته‌های خود او که رتبه اول کنکور پزشکی را هم داشت ساخته می‌شد، متوجه شدم که اصولاً هم و غم جدی برای بازتاب فداکاری‌هایی که ملت در آن زمان از خود نشان دادند، وجود ندارد.

«ایران» در گفت‌وگو با عوامل فیلم «منصور» مضمون و ارزش‌های این اثر را به بحث می‌گذارد

# آمیزه‌ای از ذوق هنری و نبوغ نظامی

**فیلم سینمایی «منصور» به کارگردانی سیاوش سرمدی پس از رونمایی در سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر از اواسط آبان‌ماه به نمایش عمومی درآمده است. این فیلم درباره شهید تیمسار منصور ستاری، فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران است. فیلم به سراغ همه فرازهای زندگی و خلوت او نرفته است بلکه تلاش‌های شهید ستاری در دوران جنگ در زمینه احیا و توسعه صنعت هواپیماسازی و چالش‌های آن را به نمایش می‌گذارد. با اتکا به تجربه مستندسازی کارگردان، فیلم رگه‌هایی مستندگونه در روایت این چالش‌ها و لحنی افشاگرانه در نقل بخشی از مدیریت دوران دفاع مقدس دارد. علیرضا داوودنژاد کارگردان کهنه‌کار سینمای ایران که به‌عنوان مشاور کارگردان، عوامل فیلم «منصور» را همراهی کرده در گفت‌وگو با «ایران» از انگیزه‌های همکاری با این فیلم گفته است. از نظر او تیمسار منصور ستاری این ویژگی را داشته: «تیمسار ستاری نقاش و مجسمه‌ساز و نجار بود و به طور حرفه‌ای از این رشته‌های هنری و صنعتی سر در می‌آورد.» این وجه از شخصیت شهید ستاری در کنار عواملی چون پرداختن به خودکفایی در صنایع دفاعی و حضور سیاوش سرمدی به‌عنوان کارگردان عامل همراهی او با این فیلم بوده است. او معتقد است که ذوق و خلاقیت هنری، روحیه نوع دوستی و خدمتگزاری را در نیروی نظامی تقویت خواهد کرد. محسن قصابیان که پس از سال‌ها دوری، با نقش شهید ستاری جلو دوربین «منصور» آمده در گفت‌وگویی مجزا، شهید ستاری را شخصیتی مهربان، مقتدر و آرام توصیف می‌کند و جذابیت فیلمنامه را ایستادگی او مقابل تحریم‌ها و موانع و حل مشکلات آن هم در حیطه مهم و وسیع امنیت هوایی کشور عنوان می‌کند.**

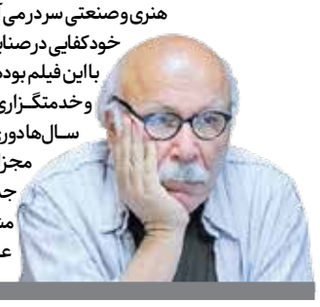

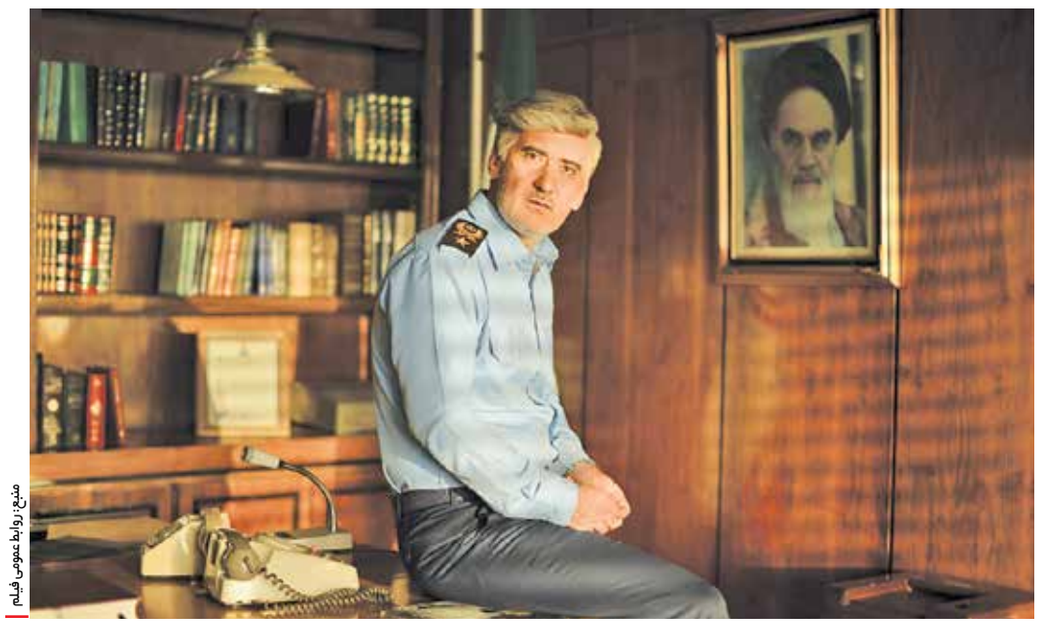
منبع: روابط عمومی فیلم

## قهرمانی که می‌داند چه می‌خواهد

مهدی مطهر
مجری طرح

ساخت هواپیما رؤیای چندصد ساله بشر را محقق کرد و جنگنده با قدرت مانور و سرعتش شاید اوج بلوغ و بالندگی ذهن بشر بود. خیلی غرورآفرین است وقتی بدانیم در اوج جنگ تحمیلی با همه فشارها چند گروه در رؤیای ساخت هواپیما روز و شب‌شان یکی شده بود. در میان اسامی بسیاری که در این پروژه درخشیدند مهندس ثنایی اسمی ویژه است. نمی‌دانم چقدر اما اطمینان دارم شبیه مهندس ثنایی در سرزمین مادری من در همه حوزه‌های هسته‌ای، پزشکی، جراحی و حتی خودرو کم نیستند، اما چرا حال‌مان در همه زمینه‌ها خوب نیست؟ سال ۹۶ رهبر معظم انقلاب در پیامی به مناسبت درگذشت مهندس ثنایی فرمودند که ایشان در انجام این کار افتخارآفرین (سازنده جنگنده آذرخش) هیچ‌گاه احساس یأس نکرد و حالا می‌دانیم چرا ثنایی در پروژه‌ای که هیچ هواخواهی نداشت موفق شد؛ به طور حتم بخش زیادی از آن به خاطر همراهی «منصور ستاری» است. ما شبیه منصور ستاری کم داریم. واقعاً قهرمان ساخت جنگنده «ستاری» است ،قهرمانی که نه قدیس است و نه پرحرف و پرمدعا، قهرمانی که فقط و فقط می‌داند چه می‌خواهد و مهم‌تر آنکه می‌داند ما می‌توانیم. شاید این حرف من تکراری باشد و شاید به مذاق خیلی‌ها خوش نیاید ،اما من اعتقاد دارم اگر قرار به رفتن است و «آنهایی» که دوست ندارند باید جمع کنند بروند؛ «آنها» مسئولانی هستند که فکر می‌کنند ما نمی‌توانیم، کسانی که با بی‌عملی عرصه را آنقدر تنگ کرده‌اند که به زعم بسیاری ایران سخت‌ترین کشورها برای کارآفرینی و اشتغال شده است. «منصور» نشان داد که ما می‌توانیم به مدرن‌ترین تکنولوژی بشر برسیم و اگر در خودرو و مسکن و بهمان موضوع نتوانستیم ایراد به ژن و نژاد ما برنمی‌گردد. مشکل را در جای دیگر باید جست و جو کرد. منصور این روزها حرف دل خیلی از کسانی است که دلشان برای ایران می‌سوزد ولی نمی‌دانند از کجا باید شروع کنند.

محسن قصابیان
از حضور در نقش شهید ستاری گفته است

## «منصور» یعنی خواستن و توانستن

نرگس عاشوری
خبرنگار

**■ بازخوانی یک چهره کمتر شناخته شده برای نسل جوان بر پرده سینما اقدامی ارزشمند است که می‌تواند فتح بابی برای به تصویر کشیدن سایر شخصیت‌های اثرگذار تاریخی دفاع مقدس و انقلاب باشد. فیلم «منصور» اسباب آشنایی مخاطب با شخصیتی است که پیش از این تنها به‌عنوان اسمی بر یکی از اتوبان‌های تهران او را می‌شناختند. علاوه بر شهید ستاری یکی از شخصیت‌های جذاب قصه مهندس ثنایی است؛ یک متخصص کارآمد که از حوزه فعالیتش رانده شده و قصد مهاجرت دارد اما می‌ماند و سال ۶۵ یک اف ۵ را شبیه‌سازی می‌کند. خودتان قبل از «منصور» شناختی از این دو شخصیت داشتید؟**

فیلمنامه از طریق کیومرث مرادی که انتخاب بازیگر و بازیگردانی کار را به عهده داشت به دستم رسید. پیش از خواندن فیلمنامه، من هم شناخت کمی از تیمسار ستاری داشتم. «منصور» باعث شد بیشتر درباره ایشان تحقیق کنم و پی ببرم که چه شخصیت تأثیرگذاری داشتند. بله اهمیت و تأثیرگذاری مهندس ثنایی انکارناپذیر است و البته درباره تصمیم او برای مهاجرت از ایران و انصراف از این تصمیم، نویسنده منبع موثق‌تری برای پاسخگویی است اما مسلماً برخی اتفاقات جهت دراماتیزه شدن داستان و حاصل تخیل نویسنده است. فیلم‌هایی مثل «منصور» می‌تواند فتح بابی باشد تا بیشتر به شخصیت‌هایی شبیه مهندس ثنایی و نیاز جامعه به آنها بپردازیم.

**■ زمان خواندن فیلمنامه برداشت خودتان از شخصیت شهید ستاری چه بود؟ چه تصویری از ایشان در ذهن‌تان ترسیم شد؟**

مهربان، مقتدر و آرام. جذابیت فیلمنامه و شخصیت منصور برای من همین ویژگی تلاش برای بازسازی، ایستادگی مقابل تحریم‌ها و حل مشکلات آن هم در حیطه مهم و وسیع امنیت هوایی کشور است. او با موانع مختلف رو به رو می‌شود اما برای هر کدام از آنها راه‌حل‌هایی پیدا می‌کند. سرگذشت تیمسار ستاری خیلی وسیع‌تر از یک فیلم است و در قالب کارهای مختلف از جمله سریال‌سازی می‌توان به زوایای شخصیتی ایشان پرداخت.

**■ برای شناخت بیشتر شخصیت ایشان تحقیق کردید؟ از چه منابعی استفاده کردید که نقش پخته‌تر شود؟ به لحاظ استایل و فیزیک چطور؟ تغییری داشتید که به شمایل ظاهری شهید ستاری نزدیک شود؟**

بعد از خواندن فیلمنامه یک پروسه زمانی چهل روزه برای رسیدن به نقش داشتم. دورخوانی و گفت‌وگو با کارگردان برای پی بردن به هدف و نزدیک شدن به نقش براساس ایده‌های ایشان مؤثر بود، بخصوص که فیلمنامه‌نویس کار هم خودشان بودند و این مسیر را راحت‌تر می‌کرد. علاوه بر مستندی که سیاوش سرمدی ساخته بود، فیلم‌های موجود از شهید ستاری و برخی تحقیقات میدانی کمک کرد تا به شناخت بهتری برسیم. تلاش کردیم لهجه، سوی نگاه و جنس میمیک چهره در قالب کلیتی درست ارائه شود. حدود ۱۰ کیلو وزن کم کردم تا به استایل مورد پسند کارگردان برسم. از یک جایی به بعد اما فقط بحث خود تیمسار ستاری مستند مطرح نیست، بازسازی آن در حیطه منطق فیلمنامه هم است و همین جاست که توان من بازیگر به چالش کشیده می‌شود، اینکه تو به‌عنوان بازیگر چه چیزی به نقش اضافه می‌کنی تا برای مخاطب باورپذیری بیشتری ایجاد کنی. این جزو وظایف بازیگر است که برای نقش سلوکی پیدا کند و در طول کار حد و حدود آن را رعایت کند.

**■ پیش از کلید خوردن فیلم با خانواده شهید ستاری گفت‌وگو داشتید؟ واکنش آنها پس از دیدن گریم و بازی شما چه بود؟**

اولین برخوردم با پسر شهید ستاری (سورنا ستاری) مربوط به روزهای اول فیلمبرداری است. در ابتدا عامدانه از ایشان دور شدم تا در صحنه مستقر شوند. با دوستان مشغول گپ و گفت بودند که از پشت سر به ایشان نزدیک شدم. واکنش‌شان جالب بود، تصورم این است که به نوعی تأیید کردند که چهره ، لباس و... به خاطراتی که ایشان از پدر داشتند نزدیک شده است.

**■ چقدر آرامش نقش برگرفته از شخصیت واقعی شهید ستاری است؟ به‌عنوان مثال آرامش بیرونی ایشان حتی در آن واکنش اعتراضی به مأمور دادگستری برگرفته از شخصیت ایشان است یا اینکه شیوه ارائه عواطف صرفاً مبتنی بر سبک بازیگری و برگرفته از منطق فیلمنامه است؟**

شهید ستاری اقتدار بیشتری داشت و احتمالاً برخوردهایشان جدی‌تر بود. طمأنینه و خونسردی در تقابل با موقعیت‌های فیلمنامه هم حاصل شخصیت فردی من است و هم فیلمنامه. در گپ‌هایی که با سیاوش سرمدی داشتیم تأکید بر این بود که نیاز نیست عصبانیت شهید ستاری بشدت بروز پیدا کند. شاید شخصیت‌های دیگر فیلم، عنان از دست بدهند اما تیمسار این کار را نمی‌کند. بر این اساس ماجرا را درونی‌تر می‌کند و برای مخاطب جذاب‌تر می‌شود.

**■ شهید ستاری قهرمانی کنشگر است و مخاطب نسبت به آن همدلی دارد اما در عین حال براساس موقعیتی که در فیلمنامه شکل می‌گیرد و نوع واکنش‌های ایشان با برخی موانع، ممکن است این برداشت شکل بگیرد که آیا منصور شخصیتی است که خود را در برابر سیستم می‌بیند و آنارشیک عمل می‌کند (حتی از نگهبان سوله می‌خواهد واکنشی جدی‌تر در مواجهه با حکم قانون داشته باشد و او را توبیخ می‌کند) یا شخصیتی است که برای اصلاح یک سیستم معیوب به‌صورت خودجوش وارد عمل می‌شود؟**

تیمسار ستاری فیلم «منصور» شخصیتی است که هدفی دارد و برایش مهم نیست که ساختارها مانع هستند یا نه. او بخوبی می‌داند چه می‌خواهد و مصمم است که می‌تواند. می‌گوید کار درست این است که به هدف برسیم. هدف او نوآوری و ساخت هواپیماست اگر سیستم مانع سازندگی است؛ معیوب است و باید اصلاح شود. سیستم پروتکل و دستورالعملی تجویز می‌کند که شدنی نیست، آن هم موقعیت بحرانی که نیاز به تصمیم دقیق و فوری برای خروج از بن‌بست است. تیمسار این خلاقیت را دارد که در لحظات سخت تصمیم درست بگیرد و تغییر ایجاد کند.

**■ «منصور» همان‌طور که از نام و قصه‌اش پیداست یک فیلم شخصیت محور است و با نگاهی به بخش‌هایی از زندگی شهید ستاری و طراحی و تولید اولین جنگنده کاملاً ایرانی ساخته شده است. فارغ از نسبتش با قهرمان قصه، صنعت هواپیماسازی و چالش‌های آن را در ایران به نوعی به نمایش می‌گذارد. فیلم در عین حال لحنی افشاگرانه دارد و بخشی از ناگفته‌های مدیریتی دوران دفاع مقدس را روایت می‌کند. جدا از وجهه تاریخی درون‌مایه و پیام اثر مهم است. «منصور» را در القای این پیام موفق می‌دانید؟**

قضاوت با مخاطب است اما فرض من بر این است که فیلمنامه راه درست را رفته و باز فرض من بر این است که کارگردان روایتی درست در زمان هدایت ما برای رسیدن به هدف دنبال کرده است. بازخوردهایی که تا به امروز داشتم مثبت بوده و تأییدکننده این فرضیه است. مخاطب با تیمسار ستاری همراه شده و فیلم را دوست دارد.

**■ به اعتقاد شما اینکه یک نهاد پشتیبان و سازنده فیلم بوده باعث نمی‌شود مخاطب و علاقه‌مند جدی سینما توجه‌اش به ایدئولوژی و نگاه سیاسی آن جلب شود؟**

من فارغ از بحث‌های سیاسی، فیلم را دنبال می‌کنم چون خود اثر مهم است. امیدوارم نگاه تماشاگر هم همین باشد؛ اینکه آیا اثری هنرمندانه خلق شده و برای فرهنگ این مملکت و برای آینده ما مفید و سازنده است، اینکه فیلم کمک می‌کند تا امید بسازد و بر آحاد جامعه تأثیر بگذارد و... اگر سمت و سویه فیلم به گونه‌ای باشد که برای همه مردم ساخته شود، همین بازخورد را هم از مخاطب دریافت می‌کند.

**■ نسخه اکران شده فیلم متفاوت از نسخه به نمایش درآمده در جشنواره فیلم فجر است. سکانس مربوط به دیدار شهید ستاری با آیت‌الله هاشمی به طور کلی حذف شده است. ممیزی ۱۷ دقیقه‌ای به فیلم ضربه نزده است؟**

راجع به این اتفاق بهتر است سازندگان فیلم نظر بدهند آنچه برای من به‌عنوان بازیگر مهم است زحمتی است که اتابک نادری بازیگر نقش زنده‌یاد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، متحمل شده است. ساعت‌های متمادی برای درآمدن گریم زمان صرف شده و او تلاش کرد تا این صحنه‌ها درآمده و ثبت شود. سهم ایشان کجاست؟ کاش تلاش بازیگر بی‌جواب نماند.

بازیگرانی که نقش شهدا را بازی کردند

# سیمای روشن مفاخر ملی

**فرهنگی/** در سینما و تلویزیون، فیلم‌ها و سریال‌های متعددی درباره قهرمانان وطن و شهیدان راه آزادی ساخته شده است. سال‌های دفاع مقدس، سال‌های سخت استقامت و پیروزی است و حفظ خاطرات آن روزها، بخشی از سینمای ایران را به خود اختصاص داده است. در این سال‌ها بازیگران بسیاری نقش شهیدان را بازی کرده و تعدادی از آنها با این نقش آفرینی به شهرت و محبوبیت رسیده‌اند. هادی حجازی‌فر نمونه متأخری است که پس از سال‌ها کار در حوزه تئاتر، با نقش شهید احمد متوسلیان و در فیلم «ایستاده در غبار» (محمد حسین مهدویان) به شهرت رسید. مهدویان با انتخاب یک چهره ناشناس، فضای مستندگون فیلمش را تقویت کرد. بسیاری از تماشاگران نخستین نمایش‌های جشنواره‌ای «ایستاده در غبار» گمان نداشتند بازیگری حرفه‌ای مقابل دوربین است. حجازی‌فر با «ایستاده در غبار» یک شبه ره صد ساله رفت و به بازیگری پرکار و محبوب تبدیل شد. حجازی‌فر در سریالی که خود کارگردانی می‌کند نقش شهید باکری یکی از سرداران بزرگ دفاع مقدس را بازی می‌کند.

شهاب حسینی بازیگر خوش‌سیما و محبوب با نقش شهید عباس بابایی در سریال «شوق پرواز» (یدالله صمدی) به محبوبیتی مضاعف رسید. سریال، روایتی ساده و تاریخی از زندگی شهید بابایی از کودکی تا زمان شهادت بود. کارگردان با طراحی شخصیت نویسنده (ستاره اسکندری) زمینه ورود به دنیای این شخصیت را فراهم کرده بود و وفادارانه، فراز و فرودها و نقاط عطف زندگی عباس را روایت می‌کرد. نکته بارز سریال، بیش از هر چیز، حضور شهاب حسینی در نقش شهید بود. حسینی بازی روان و حضوری شیرین و باورپذیر در نقش قهرمانی دارد که آرمانگرایانه زندگی کرده و در راه آزادی و سربلندی وطن، شهادت را انتخاب می‌کند.

حضور فریبرز عرب‌نیا در فیلم «چ» و همراهی با ابراهیم حاتمی‌کیا در فیلمی درباره شهید مصطفی چمران یکی از نقاط عطف کارنامه این بازیگر بزرگ است. عرب‌نیا که اواخر دهه هفتاد با بازی در فیلم «سلطان» (مسعود کیمیایی) به شهرت رسیده بود، پس از بازی در سریال عظیم تاریخی «مختارنامه» (داوود میرباقری) کم‌کار شد. او از سال ۹۴ مقابل دوربین نرفته است اما بازی در فیلم «چ» یکی از نقاط عطف کارنامه او در اواخر دوران بازیگری‌اش است. شهید چمران علاوه بر اینکه یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های سیاسی تاریخ معاصر است، از اسطوره‌های سال‌های دفاع مقدس محسوب می‌شود. عرب‌نیا تصویری تازه از این شخصیت بسیار محبوب ارائه داده است. شخصیتی که روحیه قهرمانی و رأفت و محبت را توأمان دارد. مردی که ساده، از کنار رویدادهای اطرافش نمی‌گذرد حتی اگر در دل جنگ گرفتار آمده باشد. «چ» در کارنامه حاتمی‌کیا، اثری دوست داشتنی و پرمخاطب درباره یک قهرمان است. قهرمانی که عرب‌نیا بخت نقش‌آفرینی در قالب او را داشت و از این آزمون با سربلندی بیرون آمد.

بابک حمیدیان در فیلم «چ» نقش شهید اصغر وصالی را بازی کرد. رزمنده‌ای جوان که برخلاف دکتر چمران (فریبرز عرب‌نیا) برونگرا و همچون آتشفشانی آماده عصیان است. حاتمی‌کیا با طراحی این شخصیت که حمیدیان به شکلی حیرت آور، آن را قابل باور بازی کرده، هم به یک شهید ادای دین کرده، هم تصویری متفاوت از نسلی شوریده و عاصی خلق کرده است. نسلی که دلاورانه و جسورانه به دل حادثه می‌زند تا سهمش را از دنیا بگیرد. سکانس رودررویی اصغر و تیمسار فلاحی (سعید راد) در فیلم، نمایش دهنده دونگاه و دو قرائت درباره دفاع از میهن و مبارزه برای آزادی است.

اوایل دهه هفتاد سریال «سیمرغ» (حسین قاسمی جامی) از شبکه یک پخش می‌شد. این سریال، روایتی از زندگی، حضور در سال‌های جنگ و شهادت دو خلبان شاخص ایرانی شهیدان علی اکبر شیرودی و احمد کشوری است. سیدجواد هاشمی که به دلیل ویژگی‌های ظاهری‌اش معمولاً در نقش‌های مثبت دیده می‌شود، در این سریال نقش شهید کشوری را بازی کرد و محمد جوزانی نقش شهید شیرودی را بازی می‌کرد. «سیمرغ» عواملی حرفه‌ای و با سابقه سینمایی داشت و همچنان نسبت به دیگر آثاری که قاسمی جامی کارگردانی کرد، سر و گردنی بالاتر است. موسیقی محمدرضا علیقلی و فیلمبرداری عظیم جوانروح از امتیازهای این سریال پربیننده آن سال‌ها بود. کامبیز دیرباز که در دهه هشتاد و در «اخراجی‌ها ۱» (مسعود ده‌نمکی) نقش شهید مجید خدمت را بازی کرده بود، در فیلم «تک تیرانداز» (علی غفاری) نقش شهید عبدالرسول زرین را بازی کرد. در «اخراجی‌ها ۱» مجید سوزوکی، جوانی از جنوب شهر بود که ظاهر و سلوکش با دیگر رزمنده‌ها تفاوت داشت و همنشینی با رزمندگان، او و گروه دوستانش را متحول کرد. اما در «تک تیرانداز»، تصویری که غفاری از شخصیت شهید زرین ارائه می‌دهد به تصویر آرمانی از قهرمانان شهید نزدیک است. دیرباز با این فیلم که در سی و نهمین جشنواره فجر روی پرده رفت، به جمع بازیگرانی پیوست که دوبار نقش شهید را بازی کرده‌اند. «منصور» به کارگردانی سیاوش سرمدی که این روزها روی پرده رفته، تازه‌ترین فیلمی است که درباره یکی از مهم‌ترین شهیدان سال‌های دفاع مقدس ساخته شده است. فیلم برشی از زندگی شهید منصور ستاری فرمانده نیروی هوایی ارتش است. محسن قصابیان که پیشتر به‌عنوان بازیگر در تئاتر و تلویزیون فعالیت کرده، حضوری قابل قبول در نقش شهید ستاری دارد.

کامبیز دیرباز در «تک تیرانداز »

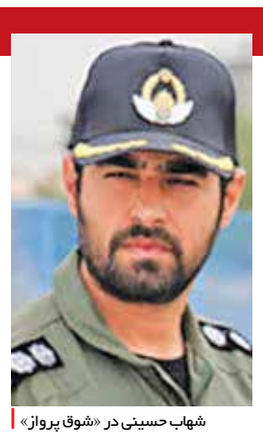
شهاب حسینی در «شوق پرواز»

فریبرز عرب‌نیا در «چ»

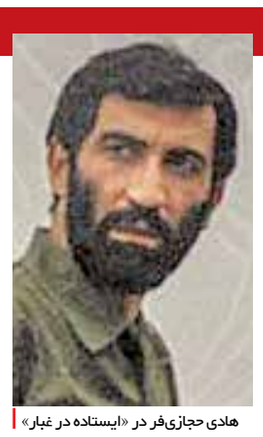
هادی حجازی‌فر در «ایستاده در غبار»